

مقاله پژوهشی

روایت منظرین سقاخانه در شهر ایرانی

سعیده درخش*

دانشگاه علم و هنر، دانشکده علوم انسانی، گروه مدیریت، یزد، ایران.

مهدی باصولی

دکتری مدیریت گردشگری، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۱۸

تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

چکیده در معماری بومی ایران، عناصر صوری متعددی به چشم می‌خورد که با مطالعه جنبه‌های دیگر نشان می‌دهد تنها جهت یک کارکرد خاص بنا نشده‌اند. سقاخانه‌ها از جمله این عناصر هستند. سقاخانه‌ها در ایران و در شهرهای این سرزمین، به تعداد بسیار دیده می‌شوند و بعضی از آنها، اثری بسیار زیبا هستند و از لحاظ معماری منحصر به فردشان، بسیار مورد توجه قرار می‌گیرند. نمادها، آداب و رسوم، اعتقادات و باورهای مربوط به سقاخانه‌ها در برگیرنده فرهنگ ویژه سقاخانه‌ای است. از طرفی این بنا تحت تأثیر فرهنگ و اعتقادات مردم جامعه، دارای کارکردهای مختلفی در سطح جامعه شده‌اند. روایت منظرین سقاخانه‌ها با هدف بازتعریف هویت و معنای عمیق این عناصر در سطح جامعه انجام شده است. به این منظور، مطالعات اسنادی با استفاده از منابع عملی صورت پذیرفته و علاوه بر بررسی ریشه‌های پیدایش سقاخانه، به کارکردهای مختلف آن در جامعه ایرانی نیز توجه شده است. چهار دسته کارکردهای مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، هنری از جمله کارکردهایی هستند که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و از جنبه‌های مختلف به آنها نگریسته شده است. این کارکردها خود به دسته‌های جزئی‌تر تقسیم می‌شوند که معرف هویت سقاخانه در طول تاریخ و بیانگر نحوه تعامل جامعه با این عنصر مهم معماری در شهر ایرانی-اسلامی هستند. با توجه به این هویت‌ها، این مکان خاص با توجه به تمایز و انحصاری که به لحاظ معنایی داراست، می‌تواند به‌عنوان جاذبه‌ای منحصر به فرد در گردشگری فرهنگی مذهبی مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی | سقاخانه، منظر، گردشگری شهری، کارکرد، ایران.

مقدمه | ساخت مکان‌های با هویت و کارکرد مشخص، یکی از رسالت‌های اصلی شهرسازان و طراحان شهری است. در این راستا، شناخت معنای مکان و روند شکل‌گیری آن و شناسایی مؤلفه‌ها و معیارهای تأثیرگذار بر آن می‌تواند در بازتعریف و شناخت بیشتر شهروندان و سایر بازدیدکنندگان مؤثر واقع شود و زمینه‌ای برای احیا و نگهداری این مکان‌ها به وجود آورد. با قبول شهر به‌عنوان موجودی زنده، نمی‌توان تنها به ابعاد ظاهری آن نگریست. در شهر پدیده‌هایی حضور دارند که شاخص و نماد درجه کیفیت تمدن و روحیات جمعی اقوام و ملل، و حاصل تصمیم و تصورات

مردم آن شهر است. این پدیده‌های کیفی، محصول اتفاقی و یا خارج از قوانین و قواعد فهم انسان، محصول عمل شاعرانه و یا توهمات نیست، بلکه حاصل آزادی عمل ساکنان شهر است و به‌عنوان عنصری حامل معنا برای زندگی بخشیدن به شهر نیاز است (وحدت، کریمی مشاور و بخشی بالکانو، ۱۳۹۴، ۱۲۹).

هویت مکان به‌عنوان یکی از راه‌های ارتباط بین انسان و مکان از طریق فرهنگ، سابقه تاریخی، خاطرات جمعی، نوع و ماهیت فن‌آوری ساخت، عملکردها، نشانه‌ها، فرم‌ها و نمادهای شهری و ویژگی‌های بصری و کالبدی ادراک می‌شود (امین‌زاده، ۱۳۸۹، ۵).

از نگاه شولتز، احساس فضا و درک محیط با خاطرات مردم عجین

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۲۵۸۳۳۱۸ s.derakhsh59@gmail.com

یا بستر ایجاد رویدادهای مختلف باشند. روایت منظرین سقاخانه می‌تواند برای گردشگر دریچه‌ی جدیدی باز کرده و نگاهی متفاوت را ایجاد نماید. با این روایت، گردشگر صرفاً نما و ظاهر بنا را مورد توجه قرار نداده بلکه هویت آن را مورد تحلیل نظری خود قرار می‌دهد که این امر می‌تواند خاطره‌ی سفر را برای او ماندگارتر کند. گردشگر می‌تواند در ذهن خود سقاخانه‌ای را تجسم نماید که در میانه‌ی شهر قرار داشته و علاوه بر آبرسانی، کارکردهای متفاوتی را در تعامل انسان و جامعه ایفا می‌کرده است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با نگاهی پدیدارشناسانه به بررسی کلیت و کارکردهای متنوع سقاخانه‌ها در فضاهای شهری می‌پردازد. فلسفه‌ی پژوهش براساس پارادایم تفسیری، جهت‌گیری پژوهش بنیادی و روش مورد استفاده در تحقیق کیفی بوده و براساس رویکرد استقرایی تحلیل صورت گرفته است. روش جمع‌آوری از طریق اطلاعات کتابخانه‌ای انجام شده است. بدین منظور با بررسی کتب و مقالات معتبر در خصوص سقاخانه، مطالعات اسنادی صورت پذیرفته است و داده‌های اولیه پس از بررسی و مطالعه به‌صورت توصیفی بیان شده‌اند. با بررسی و تحلیل این داده‌ها، استنتاج تحلیلی جهت بررسی کارکردهای سقاخانه و بازنگری در مفهوم این مکان عمومی در فضاسازی محیط شهری با رویکردی منظرین انجام پذیرفته است. در واقع در این تحقیق با بررسی اولیه‌ی سقاخانه و دلایل ایجاد آن، با مطالعه‌ی اسناد مختلف، سعی شده به یک چهارچوب نظری برای تعریف کارکردهای آن در طول تاریخ دست یافت تا بتوان تعامل این عنصر معماری با محیط اطراف را بیشتر مورد مطالعه قرار داده و هویت آن را واکاوی کرد. بنابراین مبنای نظری این تحقیق صرفاً بیان کارکردهای سقاخانه جهت بازروایت منظرین آن بوده است.

مبانی نظری

• تقدس آب و سقاخانه

آب و تقدس آن موضوعی دیرینه در فرهنگ ایران است، به‌طوری‌که پیشینه‌ی آن را می‌توان به دوران پیش از تاریخ، در اندیشه‌ی بومیان این سرزمین رساند (زارعی و حبیبی، ۱۳۹۲، ۸۳). در آیین مهر-میترا، تأکید زیادی بر تقدس آب صورت می‌شد. در طول تاریخ، بشر هر از گاهی به تقدیر و تقدیس عناصری می‌پرداخته که به آنها نیازمند بوده و یا با محدودیت در آنها مواجه بوده است. با گذشت زمان این عناصر صاحب حرمت و اعتبار خاصی شده و اعتقادات و باورهایی در اطراف آنها شکل گرفته است و آب یکی از آن عناصر بوده است (اطیابی، ۱۳۸۳، ۵۶).

«آب هویتی پاک و مقدس دارد. در ایران قبل از اسلام، مردم آن‌ها را (الهه‌ی آب)، و بعد از اسلام حضرت فاطمه زهرا (س) را مظهر آب می‌دانسته‌اند. انتخاب چنین چهره‌های پاک و الهی

شده است. وی بخشی از معانی مکان را در تجربه‌ها و حالات روحی انسان جستجو می‌نماید. برای او، مکان، همان فضای زنده است. زنده هم به‌معنای خاص و هم به‌معنای عام (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۲، ۷۲). روایت منظرین می‌تواند در تعریف هویت هر مکان مؤثر واقع شود. منظر واژه‌ای است که معانی گوناگونی دارد، یکی از رایج‌ترین معانی آن، ادارک بصری به‌هم‌پیوسته‌ی یک نما یا یک قاب-منظره‌ی از پیش در نظر گرفته‌شده یا تصادفی، یا یک مکانیسم پیچیده است که امکان تبیین و پیش‌نمایش مکان‌هایی از جهان را می‌دهد (نونش، ۱۳۹۲، ۵۰). منظر موجودی پویا و نسبی خوانده می‌شود که در تعامل دائمی جامعه و طبیعت شکل می‌گیرد. بدین ترتیب، منظر موجودی با قابلیت‌های فرهنگی خواهد بود که اهداف سه‌گانه‌ی زیباشناسانه، فرهنگی و عملکردی را همزمان دنبال می‌کند. ادارک منظر فرایندی مبتنی بر حس است که بدون واسطه صورت می‌گیرد (منصوری، ۱۳۸۳، ۶۹). منظر یک نوع رابطه با محیط و یک نوع مکان است. مکانی که وجود آن در گروهی ارتباط با سوژه و ذهنیت موجود زنده است. واقعیت برآمده از ترکیب یک عینیت و حالتی که این عینیت را به‌مثابه‌ی آن نمایش می‌دهد (منصوری و شفیعا، ۱۳۹۸، ۴۴). به عبارتی دیگر، منظر گونه‌ای دیگر از مکان و محصول تعامل انسان و محیط در فضاهای بیرونی، محصول تجربه‌ی انسان در فضا است. اما فضای منظر با فضای معماری تفاوت دارد و در طول تاریخ، تعامل انسان و محیط، به‌دست جامعه و در چارچوب اقتضائات طبیعی و تاریخی، منظر را پدید آورده است (باصولی، ۱۳۹۷، ۳۳). در واقع منظر نگاهی نو به محیط‌های مختلف و کارکردهای آنهاست. به بیان دیگر، برای بررسی منظرین یک مکان، می‌توان دلایل ایجاد و کارکردهای مختلف آن را در طول تاریخ مورد بررسی قرار داد تا بتوان به هویت واقعی آن دست پیدا کرده و معنای جدید و متفاوتی برای آن ایجاد نمود.

«سقاخانه» یکی از مظاهر پیوند زمان، مکان و مردم است. عنصری خاص در فضای شهر ایرانی که به دلایل تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی ایجاد شده و به کارکردی مشخص در شهر دست پیدا کرده است. از طرفی این مکان‌ها به‌واسطه‌ی داشتن هویتی خاص، برای گردشگران و بازدیدکنندگان نیز دارای جذابیت‌های بی‌نظیری هستند که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و در مواردی نیز بیشتر به جنبه‌های ظاهری آن و یا جنبه‌های غالب کارکردی آن همچون آبرسانی، پرداخته شده است. هدف از تدوین این مقاله، بررسی سقاخانه از جنبه‌های مختلف و بررسی کارکردهای دیگر آن در جامعه‌ی شهری ایرانی است تا بتوان با بازتعریف این عنصر خاص در معماری ایرانی و بیان خصوصیات کمتر بیان شده، هویت آن را به‌صورت مفهومی مورد بررسی قرار داده و در احیای نمادین آن گام برداشت. در روایت منظرین، عناصر معماری بیشتر از آنکه پس‌زمینه باشند، به مکانی با معنا و با هویت تبدیل می‌شوند که می‌توانند رویدادها و داستان‌های زیادی را به‌وجود آورند و

استفاده می‌شده است. سنگاب ظرف بزرگی بود که از سنگ ساخته می‌شد و به‌منظور ذخیره و نگهداری به‌کار گرفته می‌شده است (تصویر ۱). در واقع سنگاب‌ها شکل تکامل نیافته سقاخانه بودند که در برخی از گذرگاه‌های عمومی و مکان‌های همگانی تعبیه و توسط افراد خیر، جهت ذخیره آب پاک و آشامیدنی نگهداری می‌شدند (بهمن‌یار و طالبی، ۱۳۹۴، ۴). آنها را می‌توان اولین شکل رسمی نمایش احترام شیعه به شهدای کربلا و رسم سقایی را برخاسته از آن حادثه دانست (افضل طوسی و مانی، ۱۳۹۲، ۵۳). «حکایت سنگاب، حکایت مرید و مراد بوده و سنگاب نقطه مراد است که با بلندایی به فراخور نیاز همگان، ایستاده بر پایه‌ای سنگی، و درونش منبع سرشار حیات و گاه کتیبه‌های زمینه بیرونش به‌خاطر اهمیت داستان آب، مرید را به اندیشه وامی‌داشته و مرید جوینده آب بوده که به‌وقت تشنگی مراد را می‌طلبیده؛ یعنی آب را می‌جسته، که نشان سنگاب است» (داده‌مهر، ۱۳۷۸، ۱۰۷).

به‌طور کلی شکل‌گیری هر فضا در بافت شهری تحت تأثیر عوامل متعددی مانند محیط طبیعی، فرهنگ حاکم بر جامعه و جهان‌بینی ساکنان آن صورت می‌پذیرد. پیدایش و شکل‌گیری سقاخانه‌ها نیز به‌عنوان عنصری از عناصر سکونتگاه‌های زیستی کهن می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعددی باشد. ابراهیمی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «سقاخانه‌های تهران»، محیط طبیعی کشور، اعتقادات دیرینه مردم نسبت به آب، حادثه کربلا و عمل به احادیث را عوامل اصلی شکل‌گیری سقاخانه می‌داند. به مرور زمان، سقاخانه‌ها به‌عنوان یک محل مذهبی، در نظر گرفته شدند که مردم با برافروختن شمع و گره‌زدن پارچه، حاجات خود را در فضای مقدس آن طلب می‌کردند. «در فرهنگ سقاخانه، نگاه به زندگی جور دیگری است. اگرچه آدم‌ها خود را از آن سیراب می‌سازند ولی: گره می‌زنند تا گره کارشان گشوده شود، قفل می‌کنند تا کلید بن‌بست‌های زندگی‌شان را بجویند، پول

به‌عنوان مظهر آب، دلیل بر اهمیت و نقش آب در زندگی ایرانیان بوده است» (یآوری، ۱۳۵۹، ۴۲). در مورد پیشینه تقدس آب نزد ایرانیان باستان نیز می‌توان به اهمیت ویژه آب در آیین زرتشت اشاره کرد. برخی معتقدند بسیاری از سقاخانه‌ها یادگار پرستشگاه ناهید بوده‌اند: «یکی از پرستشگاه‌های ناهید که در ایران از دیرباز به‌جا مانده، پرستشگاه شهربانو در شهر ری است که بر فراز کوهی مشرف به ری کهن، هنوز پابرجاست و بانو از فراز آن کوه، شهر را زیر نظر پر برکت خود داشته است. بسیاری از سقاخانه‌های کهن نیز که در ایران زمین فراوان هستند، یادگار سنتی از همین ایزد آب و باروری هستند. در شکل‌گیری و پیدایش سقاخانه‌ها نمی‌توان باور و اعتقادات گذشته مردم را نادیده گرفت؛ اما درباره این مطلب که سقاخانه‌ها روزی پرستشگاه ناهید بوده‌اند، سند محکمی در دست نیست» (فروه‌وشی، ۱۳۷۰، ۷۶).

در اعتقادات اسلامی نیز آب از اهمیت بسیاری برخوردار است. در قرآن آیات بسیاری با مضمون آب وجود دارد: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيًّا»، از آب هر چیزی را زنده گردانیدیم (سوره انبیا، آیه ۳۰).

فلسفه آب دادن و آب نوشاندن از ظریف‌ترین موارد بینش اسلامی به‌شمار می‌رود. در غزوات و جنگ‌های صدر اسلام، آب دادن حتی به اسرای جنگی مستحب و مباح شمرده شده است. گسترده‌شدن تشیع در ایران و عمومیت پیدا کردن عزاداری امام سوم شیعیان (ع) و یاران ایشان در جامعه، همچنین تکرار مداوم وقایع تاریخی کربلا و روایت شهادت حضرت ابوالفضل (ع)؛ که در آن واقعه جان خود را در راه رساندن آب به تشنگان کربلا از دست دادند، سبب شده که آب برای ایرانیان شیعه، تقدس بیشتری پیدا کند و از جنبه مذهبی دارای حرمت بیشتری شود (افضل طوسی و مانی، ۱۳۹۲، ۵۲). از طرفی اوضاع اقلیمی خشک و نیمه‌خشک بخش عمده ایران، تأثیری ژرف و بنیادی در خلق پدیده‌های گوناگون معماری این سرزمین گذارده که بررسی آنها از اهمیت فراوانی برخوردار است (کیانی، ۱۳۷۹، ۲۲۳).

• سقاخانه

سقاییت و سقایی در اصل واژگانی عربی هستند که در فرهنگ فارسی به‌معنای «آب نوشانیدن» و «دادن و فروختن آب» استفاده می‌شوند (بنیادلو، ۱۳۸۱، ۱۵). پخش‌کننده آب را «سقا» و جایی که در آن آب را ذخیره می‌کنند، «سقاخانه» می‌گفته‌اند (بهمن‌یار و طالبی، ۱۳۹۴، ۴). کلمه «سقا» از سقا به معنی مشک آب، مشک شیر، ظرف و چیزی که برای آب یا شیر بوده است که جمع آن «اسقیه» و اسم فاعل آن «ساقی»، به‌معنای آب‌دهنده است. اما کلمه سقا صیغه نسبت به شغل است (جعفرنژاد و جعفرنژاد، ۱۳۹۶، ۹۱). سقاخانه در فرهنگ معین این‌گونه معنی شده است: «جایی که در آنجا، آب برای تشنگان ذخیره کنند و آنجا را متبرک دانند» (اطیابی، ۱۳۸۳، ۵۶).

در گذشته علاوه بر سقاخانه، از واژه‌هایی مانند «سنگاب» نیز



تصویر ۱. سنگاب در میان حمام خسرو آقا، اصفهان، عکس از پاسکال کوست، ۱۸۶۷. مأخذ: www.data.abuledu.org

زده می‌شد (ملکی، ۱۳۷۰، ۱۸۱). برخی در ابعاد سه در چهار و اغلب کوچکترند. گاه آن‌قدر کوچک هستند که همچون حفره‌ای در پهنه دیوار به‌نظر می‌رسند. بیشتر در کنار در مساجد و تکایا و محل تقاطع پر رفت‌وآمد مردم در بازار بنا می‌شدند (اطیابی، ۱۳۸۳، ۵۷). از نظر معماری و شکل بنا، سقاخانه را می‌توان در سه گروه کلی دسته‌بندی و خصوصیات مشترکی نیز برای هر گروه تعریف کرد:

- سقاخانه‌های مستقل: سقاخانه‌هایی که به‌صورت مستقل تشکیل شده و با بناهای اطراف خود پیوندی ندارند. این سقاخانه‌ها معمولاً مکعبی شکل بوده و یا به‌صورت استوانه‌ای یا هشت‌گوش ساخته می‌شدند، به‌گونه‌ای که از چهار جهت نما دارند و قابل استفاده هستند (زارعی و گلزاریان، ۱۳۹۱، ۴۱۸).

- سقاخانه‌های دکانی شکل: نمای کلی این سقاخانه‌ها، به‌گونه‌ی دکانی نیم‌بایی یا یک‌بایی است که در کنار مجموعه‌ای از دکان‌ها و یا منازل و بناهای اطراف قرار گرفته‌اند. محل احداث این سقاخانه‌ها بیشتر در کنار معابر اصلی و پر رفت‌وآمد شهر است (قابلی، ۱۳۹۰، ۴۱۲).

- سقاخانه‌های زرفی شکل: این‌گونه سقاخانه‌ها در شکل کلی کاملاً وابسته به بنای همراه خود هستند و از نظر تملک جزئی از بنای مجاور خود محسوب می‌شوند و بیشتر در معابر فرعی و کوچه‌ها قرار دارند (عنصری، ۱۳۸۳، ۱۲۳).

• کارکردهای سقاخانه

اگرچه احداث مکانی برای نوشیدن آب و رفع تشنگی رهگذران، یکی از انگیزه‌های احداث سقاخانه بوده است؛ ولی در ورای اندیشه ساخت و بنای این معماری بی‌نظیر، کارکردهای مختلفی نهفته است. هرچند ممکن است این کارکردها در طول زمان و به مقتضای زمانه به این عنصر معماری اضافه شده و به‌مرور نهادینه شده باشند. از طرفی در دوره‌های اخیر و با توجه به پیشرفت تکنولوژی و تغییر سبک زندگی، بسیاری از این کارکردها همانند کارکرد اصلی آنها، دچار تغییر اساسی شده است. به‌گونه‌ای که به جز بافت قدیمی شهرهای ایرانی، کمتر می‌توان سقاخانه را به‌عنوان یک عنصر معماری ملاحظه کرد. کارکرد اصلی سقاخانه، تأمین آب برای رهگذران بوده است. ولی با توجه به مطالعات انجام شده، کارکردهای دیگری نیز می‌توان برای این مکان در نظر گرفت. این کارکردها عبارتند از:

- کارکرد اجتماعی

مهم‌ترین کارکرد عناصر شهری، کارکردهای اجتماعی بوده‌اند. در روزگاری که جامعه برای حضور در سطح شهر، دلایل محدودی مانند کسب‌وکار وجود داشته است. مکان‌هایی مانند سقاخانه علاوه بر عملکرد رساندن آب به مردمان تشنه، زمینه حضور افراد مختلف را در فعالیت‌های اجتماعی به‌وجود می‌آوردند. برخی از جنبه‌های اجتماعی سقاخانه را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- تجلی کار گروهی افراد در فعالیت‌های اجتماعی: ساخت سقاخانه

می‌ریزند تا قرضشان ادا گردد، شمع می‌افروزند تا تیره‌گی را بنده سازند، نشانی می‌کوبند تا دست اقبالی در بختشان را بکوبد، و به عین می‌بخشند تا به ذهن طلب کنند. در این فرهنگ صحبت از سادگی دل‌هایی است که رنگ تدلیس و تلبیس به‌خود نگرفته‌اند و پاکی دل خویش را به شباهت آینه‌ای قلمداد کرده‌اند، که پاسخ طلب حاجتشان را در آن، همچون تصویری ناپیدا به انتظار می‌نشیند» (دادمهر، ۱۳۷۸، ۴۱ و ۴۲).

با توجه به موارد بیان شده، سقاخانه علاوه بر جنبه کاربردی مهمی که ایفا می‌کرده‌اند، به‌عنوان بنایی معنوی در بین ایرانیان ظاهر شده و چنین بوده که این سازه معمارانه، به‌دست هنرمندان متدین تبدیل به تابلویی نمادین، متبلور از مفاهیم معنوی در پس اشکال و نقش‌مایه‌های ظاهری شده است. به‌گونه‌ای که این عنصر، به جلوه‌ای از هنر معماران شهری در شهرهای ایرانی تبدیل شده است. پیتر لمبورن ویلسن^۱ می‌گوید: «هنگامی که در ایران از بازارچه‌ای می‌گذرید و یا از کوچه محله‌ای قدیمی رد می‌شوید، به یک جور تورفتگی بر می‌خورید که در دیواری تعبیه شده است و پنجره مشبک آهنی قسمتی از آن را می‌پوشاند. داخل این تورفتگی، شیرهای متصل به مخزنی پشت دیوار، با مخزن آب بزرگ استوانه‌ای از مس می‌بینید...» (اعتمادی، ۱۳۷۷، ۲۹). هنگام شب برای آنکه چشم تشنه‌لبان بهتر ببینند، در محفظه‌هایی در کنار محل آب، شمع‌هایی روشن می‌کردند و این کار مقدمه‌ای شد برای کسانی که نذر و نیازی داشتند و هر شب جمعه شمع‌هایی را روشن می‌کردند (نجمی، ۱۳۶۲، ۳۹۰). هرچند برخی این امر را از جمله خرافاتی می‌دانند که توسط دیگران ترویج شده است (من، ۱۳۶۹، ۲۰) و به‌مرور به‌عنوان یک باور در ذهن مردم جامعه باقی مانده است.

• معماری سقاخانه

از نظر سازمان فضایی، سقاخانه‌ها مانند مفصل‌هایی هستند که شبکه معابر را به‌یکدیگر پیوند می‌دهند. این بناهای کوچک، به‌عنوان نشانه‌های تذکردهنده، عامل مهمی در معنویت‌بخشیدن به راه‌ها و معابر شهری هستند و از نظر فیزیکی، نقاط مکتبی را جهت ایستادن رهگذران در میان همه مشغله‌ها و گرفتاری‌های روزمره زندگی، به‌منظور نوشیدن جرعه‌ای آب و سلامی بر شهدای کربلا فراهم می‌کنند (ستاری‌فرد، ۱۳۹۲، ۶). این بنا به لحاظ مکانی، اتاقی در دل دیوار، در راستای مسیر عبور و مرور بود. این حفره در اندازه‌های متفاوتی که اغلب کوچک بودند، شکل می‌گرفتند (هاشمی و جعفری، ۱۳۹۵، ۳). ابعاد سقاخانه‌ها گاه کوچک و گاه بزرگ و گاه دارای زینت‌آلات و تزئینات معماری بوده است. معماری سقاخانه‌ها، به معماری مساجد و محراب شبیه و نزدیک است. قوس‌هایی که در محراب یک مسجد دیده می‌شود، با اختلافی بسیار ناچیز در سقاخانه نیز مشاهده می‌شود (احمدی ملکی، ۱۳۷۷، ۸۶). سقاخانه به طرق گوناگون ساخته می‌شده است و گاهی نیز بر بالای بعضی از آنها قبه‌ای از ورقه‌های برنجی

می‌شود، ولی هیچ‌گاه شهرت این مکان مقدس از محله به خارج تجاوز نمی‌کند، زیرا سایر گذرها و محله‌های شهر هم سقاخانه و پاتوق‌های خود را دارند. فقط در تمام تهران یک سقاخانه وجود داشت که به‌واسطه قدمت و تزئینات بنا و مراقبت‌های داش‌های محل، شهرت شهری به‌هم‌زده و از تمام نقاط شهر نذر و نیاز برای آن می‌آوردند و آن سقاخانه نوروخان بود» (مستوفی، ۱۳۶۰، ۶۱۷).

- کارکرد مذهبی

همان‌گونه که بیان شد، آب در نزد ایرانیان همواره محترم و دارای تقدس خاصی بوده است. به‌گونه‌ای که برخی معابد دوران میتره، برپایه آب ساخته شده است. بعد از واقعه کربلا و نقش آب در روایات مربوط به این واقعه مهم تاریخی، آب به نشانه‌ای از این حادثه تبدیل شد. ایرانیان سالیان درازی به شکل‌های مختلف به زنده نگه‌داشتن واقعه کربلا می‌پرداختند. به‌گونه‌ای که آیین سقایی، نذر بزرگی از سوی سقایان به تشنه‌لبان بود: «آبی بنوش و لعنت حق بر یزید کن ... جان را فدای مرقد شاه شهید کن» (عنصری، ۱۳۸۲، ۹۸). از این‌رو سقاخانه، مانند مساجد، حسینیه و زورخانه، به نمادی مذهبی به‌خصوص در مکتب شیعه تبدیل شد. نمادهایی همچون:

- نماد عاشورا: نقش ارزش‌های معنوی عاشورا به تبعیت از «کُلْ یَوْمَ عَاشُورَا وَ کُلْ اَرْضَ کَرْبَلَا» که سعی در زنده نگاه‌داشتن این حماسه در متن زندگی مردم داشته است، به‌خوبی در سقاخانه‌های ایرانی، که بخشی از فضاهای شهری هستند، مشهود بوده است (ستاری‌فرد، ۱۳۹۲، ۵). به بیان دیگر شیعه ایرانی با گسترش نمادهای عاشورا در متن زندگی و جامعه، همواره یاد این رخداد حماسی را زنده نگه داشته است.

- جایگاهی خاص در باورها و اعتقادات: با توجه به دلایل ایجاد سقاخانه و ارتباط آن با اعتقادات و باورهای جامعه ایرانی، به‌مرور زمان، این مکان به جایگاهی خاص در باورها و اعتقادات مردم دست یافت. حتی در مواردی این باورها از مکانی مقدس فراتر رفته و سقاخانه را محلی برای برآورده کردن حاجات خود می‌دانستند. به‌عنوان مثال روشن کردن شمع به‌معنای امید داشتن به پاسخ‌گیری دلخواه از سوی اهل حاجت محسوب شده و ارزانترین نذر به‌شمار می‌آمده است: «...سقاخانه‌ها به جایگاهی مقدس برای مردم حاجتمند تبدیل گشتند تا خواسته‌های خود را در این مکان با خدای خود یا شفاعت‌کنندگان دینش در میان گذارند. این خواسته‌ها گاه با پخت کاجی یا حلوا و گاه همراه با روشن کردن شمع است که نذر سقاخانه کرده‌اند. غالباً محل روشن کردن شمع‌ها را دود سیاه و غلیظ فراگرفته که در پنداره عوام نشانه اعتبار بیشتر سقاخانه است» (دادمهر، ۱۳۷۸، ۵۶).

در ارتباط با سقاخانه‌ها، اعتقادات و باورهای عامیانه‌ای در بین مردم شکل گرفته که بعضی از آنها همچنان حفظ شده است (اطیابی، ۱۳۸۳، ۵۵).

از جمله مواردی بوده که توسط فرد یا گروهی از افراد صورت می‌پذیرفته است و افراد مختلفی در راه‌اندازی و نگهداری و تأمین منابع آن به‌صورت مشارکتی همکاری داشته‌اند. بانی یا بانیان، فضایی جهت این امر اختصاص داده و ساختمان آن را بنا می‌نهادند. از طرفی افراد دیگری با نقش‌های مشخص وظیفه تدارک و حفظ آب را برعهده داشته‌اند و این امر در طول سال‌ها و نسل‌های مختلف ادامه داشته است.

- نقش جدی در آیین‌های مذهبی: اگرچه همان‌گونه که بیان شد، قداست آب نزد ایرانیان به قبل از اسلام باز می‌گردد، ولی بعد از اسلام و به‌خصوص واقعه عاشورا، آب از حرمت خاصی در بین شیعیان برخوردار شد. به‌همین دلیل سقاخانه به‌عنوان نمادی از این روز و آیین عزاداری درآمده و در ایام عاشورا سیاه‌پوش می‌شده است. در واقع در ایجاد ارتباط بین زمان و مردم، سقاخانه‌ها به‌عنوان فضای یادآور زمان و واقعه کربلا، انعکاسی از تاریخ در کالبد شهری هستند (ستاری‌فرد، ۱۳۹۲، ۵). مراسم آیینی در کنار سقاخانه‌ها برگزار می‌شد و در این بین مردم نیز با پخش نذورات خود در کنار سقاخانه نقشی جدی‌تر برای این مکان در نظر می‌گرفتند: «رسم است که همسایه‌ها نفت، چراغ، شیر، میوه، خرما، شیرینی و مواد دیگری را نذر سقاخانه‌های محل می‌کردند و به این ترتیب، بخشی از هزینه‌های برپایی مراسم در کنار سقاخانه‌ها را تقبل می‌کردند» (صفری و دقیقی، ۱۳۹۵، ۸). - انجام امور خیریه به‌صورت مشارکتی: علاوه بر آنکه ساخت سقاخانه به‌صورت خیری با نیت انجام کار خیر صورت می‌پذیرفته است، بیشتر سقاخانه‌ها، جایی مخصوص برای جمع‌آوری مبالغ اهدایی مردم داشته‌اند. این امر به دلیل جایگاه این مکان در فرهنگ و باورهای مردمان ایران زمین بوده است: «...اگر مقدار پول‌های جمع‌آوری شده در صندوق‌ها، به‌میزانی بود که بتوان دست‌ناتوانی را گرفت یا خرج بیماری بی‌چیز را داد، متولیان از انجام این کار فروگذاری نمی‌کردند» (احمدی‌ملکی، ۱۳۷۷، ۸۸). به بیان دیگر، سقاخانه محلی برای دردمندان و حاجتمندان بود. نذورات خوراکی و خیرات برای مردگان را در ظرف‌هایی می‌چیدند و در شب‌های جمعه در سقاخانه می‌گذاشتند. دخیل بستن و ریختن پول به سقاخانه نیز از دیگر کارهای متداول بود. این کار به‌عنوان نذر یا صدقه انجام می‌شد (بنیادلو، ۱۳۸۱، ۶۴).

- محلی برای پاتوق: پاتوق، محل جمع‌شدن افراد در زمان‌های مختلف شبانه‌روز بوده است. محل‌هایی مانند زورخانه یا سقاخانه در جامعه سنتی ایرانی به‌عنوان وعده‌گاهی برای تجمع محسوب می‌شده‌اند. این امر به‌خصوص در ایام عزاداری عاشورا از جلوه دیگری برخوردار می‌شده است. عبدالله مستوفی در کتاب شرح زندگانی من، می‌نویسد: «اگر این مکان مقدس سر چهارراهی و یا در میدانچه‌ای هم واقع بود و ممکن باشد بساط سینه‌زنی شب‌های ایام سوگواری و جمعه را در نزدیک آن برپا کنند که نورعلی‌نور خواهد شد، زیرا سقاخانه شهرت پیدا می‌کند و پاتوق محله

اشعار و چگونگی کاربردشان بود که نشان از ذوق و هنر گذشتگان دارد (هاشمی و جعفری، ۱۳۹۵، ۷).

جلوه‌گاه بصری هنر خوشنویسی: در اکثر سقاخانه‌ها و سنگاب‌ها اشعار بسیار زیبایی در مدح ائمه و شهدای کربلا به قلم زیبایی همچون نسخ و ثلث و اکثراً نستعلیق نگاشته شده‌اند. خط از هنرهای ویژه اسلامی است که به واسطه کتابت قرآن تقدس داشته و بر هر مسلمانی شناخته شده است (Safadi, 1978, 127). «هنرمندان اهل ذوق یا به دستور بانی سقاخانه و سنگاب و یا از روی اعتقاد خود به امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع)، تصاویر و اشعاری را بر سردر سقاخانه‌ها و حاشیه دور لبه سنگاب‌ها و یا قسمت خارجی آن ثبت می‌کردند که دیده هر بیننده را جلا و روح او را پر نشاط می‌ساخت» (هاشمی و جعفری، ۱۳۹۵، ۴).

- کارکرد فرهنگی

سقاخانه مظهری بوده از مجموعه اعتقادات و اعمالی که پیوندی تنگاتنگ با گذشته نزدیک ایران دارد (شیخ مهدی و قمی، ۱۳۹۰، ۱۲۲). «سقاخانه، این مکان پاک و مقدس که تداعی کننده گلوهای تشنه و سیراب شده است؛ حکایت‌گر فرهنگ پیشینیان ماست و هنوز محلی است که مردم با تواضع از کنار آن عبور می‌کنند و دست و پیشانی و لب بر آن می‌سایند تا مراد بگیرند» (اطیابی، ۱۳۸۳، ۵۶). هر جزئی از عناصر تشکیل دهنده سقاخانه نمادی از فرهنگ ایرانی بوده‌اند. ضمن آنکه سقاخانه خود از جایگاهی ویژه در فرهنگ مردم ایران برخوردار بوده است. آینه، شمع، پنجه، ستاره و رنگ‌های آبی و سبز هر کدام نشانه‌های فرهنگی در تاریخ ایران هستند. علاوه بر این دو موضوع زیر نیز در این خصوص حائز اهمیت بوده‌اند:

- خاستگاه واژگان و ضرب‌المثل‌ها: در فرهنگ ایرانیان قدیم؛ با توجه به نوع و عملکرد متفاوت سقاخانه، ضرب‌المثل‌های متعددی ساخته شدند که برخاسته از فرهنگ سقاخانه بوده‌اند: «از سقاخانه شمع دزدیدن» کنایه از انجام عمل خلاف و اوج خلاف کاری است (بهمن‌یار و طالبی، ۱۳۹۴، ۳)، و یا: «از سقاخانه شمع کشیدن» مضمونی خاص است. در سابق اگر کسی مورد ظلم قرار می‌گرفت، شمعی از سقاخانه برمی‌داشت و نذر می‌کرد هرگاه ظالم به جزای عمل خود برسد و مظلوم به حق خود دست یابد، در عوض، بسته‌ای شمع به آن سقاخانه پیشکش نماید (عناصری، ۱۳۸۳، ۱۲۶).

- خاستگاه برخی خرافات: همان‌گونه که بیان شد، تقدس سقاخانه گاهی فراتر از باورهای مذهبی رفته و تبدیل به باورها و خرافه‌های مختلفی می‌شده است. به‌عنوان مثال گاهی روابط و اخلاق سنتی برخی زنان باعث می‌شده که آنان خواسته‌های نافرجامشان را از سقاخانه طلب کنند. این خواسته‌ها از فرهنگ خرافی سرچشمه می‌گرفته است و یا روایات و خرافاتی شکل می‌گرفت که نقش سقاخانه را فراتر از یک نماد مذهبی می‌دانستند. «...ماجرا از آنجا آغاز شد که در میانه تیر ماه سال ۱۳۰۳ شمسی، در تهران شایع گردید که سقاخانه خیابان آقا شیخ هادی در تهران کرامات بسیاری از خود نشان می‌دهد. داستان‌ها دهان به دهان می‌چرخید و در

- بست نشستن: بست نشستن، پناهنده شدن به مکانی خاص و عموماً مقدس بوده است تا به واسطه تقدس آن مکان، فرد از مجازات در امان باشد. این امر در فرهنگ‌های مختلف وجود داشته و باعث می‌شده محکومیت افراد به تأخیر بیفتد. معمولاً برای بست نشینی مکان‌های دارای حرمت انتخاب می‌شده‌اند. برخی سقاخانه‌ها دارای چنین حرمتی بوده‌اند: «...خدام و منتسبان آبه سقاخانه] از هر جرم و جریمه و پیگرد در امان بودند، با این شاهد که چون سفیر آمریکا، عکس از سقاخانه بازارچه آشپخ هادی برمی‌دارد و متولیان بر سرش می‌ریزند و تکه تکه‌اش می‌کنند، دولت قادر به دستگیری مسببانش نمی‌شود تا منجر به قطع رابطه میان دو دولت می‌شود» (شهری، ۱۳۵۷، ۷۹).

- کارکرد هنری

تقریباً در تمامی سقاخانه‌ها می‌توان تعداد کثیری تابلو و نقاشی از ائمه اطهار و به‌خصوص نقاشی حضرت ابوالفضل (ع) را دید. این تمثال‌ها، چشم بیننده را به‌خود خیره نگاه می‌دارند. علاوه بر این، اشعار مختلفی در این موضوع توسط شاعران سروده شده است. به بیان دیگر سقاخانه موضوعی مناسب برای تجلی هنری شیعه محسوب می‌شده است. مواردی همچون:

- نمایشگاه هنر نقاشی: تمثال‌ها با ابزار و مصالح گوناگونی به‌وجود می‌آمدند. نقاشی روی کاشی، چوب، بوم، کاغذ و مقوا و حتی روی دیوار گچی انجام می‌پذیرفت (احمدی ملکی، ۱۳۷۷، ۸۹). «هرگاه هنرمندی ایرانی عنایتی به این ابنیه داشته، آنچنان شور و زیبایی در آن به یادگار گذارده که هنر، نوشنده آب از این سقاخانه‌ها را محو و والۀ عظمت ایمان به عشق به بزرگواران شهید نموده و ارزش این آب انفاق شده را تا سر حد آب کوثر بالا برده است» (عناصری، ۱۳۸۳، ۱۳۳).

- تبلور ایده‌های شاعرانه: برخی شاعران مانند نصرت رحمانی، از مکان‌های معنوی سقاخانه جهت سرودن اشعار خود، ایده می‌گرفتند. بیشتر از آنکه زنان چادری، سقاخانه‌ها، تکایا، گلدسته‌های مساجد و زندگی معمول نسل جدید، به تابلوهای نقاشان معاصر وارد شوند؛ در شعرهای این شاعران تصویر می‌شده است. «...در کتاب اول نصرت (منتشر شده در ۱۳۳۳)، برای اولین بار شعری با عنوان سقاخانه چاپ شد... این شعر به خوبی هم آلات و اجسام موجود در سقاخانه‌ها را توصیف می‌کرد و هم دلایل اجتماعی سقاخانه‌ها را تشریح می‌نمود» (اسدی کیارس، ۱۳۸۷، ۷). از طرفی بر سردر سقاخانه‌ها که اغلب محل‌هایی برای افروختن شمع در آنها تعبیه می‌شد، اشعاری در خصوص آب و کربلا و ... نوشته می‌شد که سقاخانه را به دیوان اشعاری در این خصوص تبدیل می‌کرد:

«هر که آبی ز جام ما نوشد... خلعت از شاه کربلا پوشد» (زارعی و گلزاریان، ۱۳۹۱، ۴۱۷).

هدف از بیان اشعار و نوشته‌های حجاری و حک شده بر سقاخانه‌ها و بیان اسامی برخی از این محل‌ها، آشنایی با آنها و

خود، به کارکردهای دیگری نیز دست پیدا کرده است که باعث ماندگاری آن در جامعه شهری و تعامل آن با محیط اطراف شده است. این کارکردها را می‌توان در چهار دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: کارکرد اجتماعی، کارکرد مذهبی، کارکرد هنری و کارکرد فرهنگی. هر یک از این کارکردها خود به دسته‌های مختلفی تقسیم‌بندی می‌شوند که هر یک معرف بخشی از هویت سقاخانه در طول زمان هستند. از طرفی به واسطه اتصال عمیق به باورها و اعتقادات، این مکان نه تنها در طول تاریخ کمرنگ‌تر نشده، بلکه با اتصال به هنرهایی مانند معماری، نقاشی، خوشنویسی و شعر روز به روز هویت مهم‌تری در جامعه یافته‌اند و بر اهمیت آنها افزوده شده است. سقاخانه مربوط به گروه یا طبقه‌ای خاص نبوده و همه افراد جامعه از آن منتفع می‌شدند و از این جهت یکی از عناصر خاص در معماری شهر ایرانی است. به همین دلیل فرهنگ مرتبط با سقاخانه در همه سطوح جامعه تسری یافته و همه‌گیر شده است. در حال حاضر سقاخانه‌ها به صورت مدرن ساخته می‌شوند که برگرفته از سقاخانه‌های قدیمی هستند. در بسیاری از موارد نیز به دلیل مسائل بهداشتی و فن‌آوری‌های جدید، شیوه تأمین آب متفاوت شده و استفاده از سقاخانه‌های سنتی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در مواردی نیز به دلیل از بین رفتن کارکرد اصلی آن (آبرسانی)، کارکردهای فرعی آن هنوز جلوه‌گر بوده و مردم با برافروختن شمع و گره‌زدن پارچه در سقاخانه، در جستجوی برآورده کردن حاجات و نیازهای خود هستند و اگرچه سقاخانه آبی برای ارائه ندارد ولی جایگاه و تقدسش را در بین مردم حفظ کرده است.

در گردشگری منظر می‌توان به درک و فهم جدیدی از یک مکان دست یافت و معرفت خود را نسبت به محیط و معماری افزایش داد. چرایی ایجاد یک پدیده را بررسی کرد و با تبیین آن، بینش جدیدی به بیننده منتقل نمود. این گردشگری منجر به فهم تازه‌ای از مکان شده و می‌تواند مانند داستانی ماندگار برای گردشگر روایت شود. سقاخانه را می‌توان به‌عنوان منظر شهری و یک حلقه واسط میان گردشگران و جذابیت‌های شهری مورد توجه قرار داده و آنها را به‌عنوان جلوه‌ای ماندگار، با معماری منحصر به فرد و کارکردهای متنوعی که دارا بوده؛ به‌عنوان جاذبه گردشگری منظر شهری که قابلیت جذب گردشگران زیادی را به محیط‌ها و مناظر شهری دارند، در نظر گرفت. جاذبه‌ای که علاوه بر داشتن هویتی غنی و تاریخی، یک عنصر مهم و متمایز در شهر ایرانی اسلامی بوده و به مرور زمان و در طول تاریخ توانسته با افزودن کارکردهای مختلف به عملکردهای خود، نقش خود را در شهر پراهمیت‌تر جلوه دهد. جاذبه‌ای خاص و منحصر به فرد که صرفاً می‌توان در شهر ایرانی-اسلامی با آن مواجه شد و می‌تواند به‌عنوان مکانی برای بازدید گردشگرانی در نظر گرفته شود که می‌خواهند در خصوص فرهنگ جامعه ایرانی به درک متفاوتی دست پیدا کنند.

هر مرحله انتقال، با تخیل راوی گسترش می‌یافت. از این کرامات می‌توان به بیناشدن یک کور، شفا یافتن یک افلیج و از همه معروف‌تر و تحریک‌کننده‌تر، خشک شدن دست یا کورشدن چشم یک فرد، که تلاش می‌کرد چاه آب سقاخانه را مسموم کند، بود.» (یاراحمدی، ۱۳۸۹، ۱۷).

نتیجه‌گیری

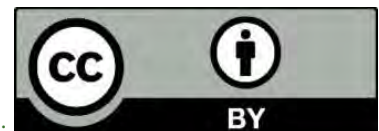
فرهنگ شیعه و انعکاس آن در فضای شهری، چهره‌ای خاص و هویتی مشخص به شهرهای شیعیان داده است. شهرهای اسلامی مفهوم خاصی از شهر ارائه می‌دهند و در این مفهوم ارزش‌ها و نگرش‌های اسلامی تجلی یافته‌اند. این ارزش‌ها و نگرش‌ها در ساخت عناصر شهری نیز متبلور شده‌اند. به‌گونه‌ای که ساخت، بافت و بناهای شهری همچون مسجد، بازار، مدرسه، کاروانسرا، سقاخانه، باغ در شهر اسلامی هر کدام ارزش، نماد و مظهری از مفاهیم، ارزش‌ها و تجلی بسیاری از مفاهیم اسلامی هستند. هر چند در تشکیل این عناصر فرهنگ ملی ایرانی نیز نقش مؤثری داشته است. بسیاری از ویژگی‌های شهر ایرانی اسلامی حاصل تجلی مفاهیم دین اسلام در فرهنگ ایران قدیم است که برای زندگی مردم یک شهر ارائه شده است. آب ارزش و جایگاه خاصی در زندگی انسان داشته و نبودش برای لحظه‌ای زندگی را متوقف و نتایج جبران‌ناپذیری به بار می‌آورد. ایرانیان از گذشته زندگی خود را با وضعیت جوی و جغرافیایی و کمبود آب سازگار کرده‌اند و به‌منظور دست‌یافتن به آب در مناطق گرم و خشک کویری به‌خصوص در گرمای سوزان تابستان، تدابیر خاصی اندیشیده‌اند. یکی از این تدابیر ایجاد سقاخانه بوده است. سقاخانه‌ها جایگاه ویژه‌ای نزد مردم داشتند و با معماری زیبا و خاص بنا می‌شدند. معماری که هر وجه آن جلوه‌گر جنبه‌ای از فرهنگ ایرانی-اسلامی بوده است. علاوه بر این، این مکان با توجه به ارزش ذاتی آب در ایران و به‌خصوص مسلمانان شیعه، دارای تقدس و حرمت متفاوتی نسبت به سایر اماکن مشابه در فرهنگ‌های دیگر بوده و به‌گونه‌ای در باورهای مردم نفوذ کرده و حتی در مواردی به‌صورت افراطی منجر به بروز خرافات هم شده است. این مکان‌ها علاوه بر کارکرد تأمین آب در نقاط مختلف شهری، نمود مشخصی از فرهنگ ایران و اسلام و شیعه بوده‌اند و کارکردهای مختلفی در جامعه داشته‌اند. منظر، پدیده‌ای عینی-ذهنی است که شکل‌گیری آن در ذهن جامعه مرتبط با آن، در طول تاریخ صورت می‌پذیرد و متأثر از فرهنگ و اعتقادات و سبک زندگی هر دوره تاریخی است. پیدایش و توسعه سقاخانه از این نظر حائز اهمیت است که سنگاب‌هایی که صرفاً برای تأمین آب در مکان‌های مختلف شکل می‌گرفته‌اند تحت تأثیر فرهنگ و اعتقادات جامعه ایرانی، تبدیل به مکان‌های مقدسی شدند که عملکردهای مختلفی در سطح جامعه داشتند و خود به‌عنوان نمادی جهت جلوه آیین‌های مذهبی درآمدند. در واقع تحت تأثیر فرهنگ جامعه، این مکان در طول مدت عمر

فهرست منابع

- ابراهیمی، شهناز. (۱۳۸۵). سقاخانه‌های تهران. فرهنگ مردم ایران، (۷ و ۸)، ۳۹-۵۶.
- احمدی ملکی، رحمان. (۱۳۷۷). سقاخانه‌های قدیمی تهران. وقف میراث جاویدان، (۲۳ و ۲۴)، ۸۴-۸۹.
- اسدی کیارس، داریوش. (۱۳۸۷). نقاشی: تندیس نصرت رحمانی [یک یادآوری برای: حسین زنده‌رودی و نقاشان سقاخانه]. تندیس، (۱۴۱)، ۶-۷.
- اطیابی، اعظم. (۱۳۸۳). سقاخانه‌های اصفهان. فرهنگ مردم، (۱۰)، ۵۵-۶۱.
- اعتمادی، احسان. (۱۳۷۷). سقاخانه. مطالعات هنرهای تجسمی، (۳)، ۲۹-۴۰.
- افضل طوسی، عفت‌السادات و مانی، نسیم. (۱۳۹۲). سنگاب‌های اصفهان، هنر قدسی شیعه. باغ نظر، (۲۷)، ۴۹-۶۰.
- امین‌زاده، بهناز. (۱۳۸۹). زیبایی و هویت مکان. هویت شهر، (۷)، ۳-۱۴.
- باصولی، مهدی. (۱۳۹۷). نگاه منظرین به حمام عمومی، عناصر و کارکردهای آن. منظر، (۴۵)، ۳۴-۴۳.
- بنیادلو، نادیا. (۱۳۸۱). سقاخانه‌های تهران. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- بهم‌یار، هاشم و طالبی، مهناز. (۱۳۹۴). نقش سقاخانه‌ها در هویت‌بخشی اسلامی به فضاهای شهری ایران با تجلی فرهنگ عاشورایی. همایش ملی معماری و شهرسازی هویت گرا، مشهد، ایران.
- جعفرنژاد، سیدرضا و جعفرنژاد، سیدحسین. (۱۳۹۶). نقش آیگون‌گرافی در تکایا و سقافار (سقاخانه) مازندران. تحقیقات جدید در علوم انسانی، (۲۵)، ۸۷-۱۰۹.
- دادمهر، منصور. (۱۳۷۸). پژوهشی درباره سقاخانه‌ها و سنگاب‌های اصفهان. اصفهان: انتشارات گل‌ها.
- زارعی، صفیه و گلزاریان، مهسا. (۱۳۹۱). مفاهیم موجود در معماری سقاخانه با تأثیرپذیری از مکتب شیعه. اولین همایش ملی اندیشه‌ها و فن‌آوری های نو در معماری، تبریز، ایران.
- زارعی، محمد ابراهیم و حبیبی، حسین. (۱۳۹۲). سقاخانه و سیر اندیشه ایرانیان در پس‌زمینه این نوع بنا؛ مطالعه موردی: سقاخانه ارباب میرزای شهرکرد. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایرانیان، (۴)، ۳۷-۵۶.
- ستاری‌فرد، شهرام. (۱۳۹۲). سقاخانه‌ها؛ بیانی از هویت اسلامی شهرهای ایرانی. همایش معماری و توسعه پایدار، بوکان، ایران.
- شهری، جعفر. (۱۳۵۷). گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی تهران قدیم. تهران: امیرکبیر.
- شیخ‌مهدی، علی و قمی، مصطفی. (۱۳۹۰). پست‌مدرنیسم در مکتب سقاخانه: آمیختگی سنت و مدرنیسم. کتاب ماه هنر، (۱۵۱)، ۱۲۰-۱۲۷.
- صفری، محمد و دقیقی، غزال. (۱۳۹۵). بررسی جنبه‌های نمادین آب در اسلام. سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، برلین، آلمان.
- عناصری، جابر. (۱۳۸۲). سلطان کر بلا: شرح واقعه عاشورا و آئین‌های سوگواری ابا عبدالله الحسین (ع). تهران: انتشارات زرین و سیمین.
- عناصری، جابر. (۱۳۸۳). تأثیر تشیع بر ابنیه، اماکن و زیارتگاه‌های مذهبی ایران. شیعه‌شناسی، (۷)، ۱۲۱-۱۴۶.
- فره‌وشی، بهرام. (۱۳۷۰). ایرانویچ. تهران: دانشگاه تهران.
- قابلی، حمیده. (۱۳۹۰). بررسی معماری سقاخانه‌ها از دیدگاه کهن‌الگوها. اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۷۹). معماری ایران دوره اسلامی. تهران: سمت.
- م. ن. (۱۳۶۹). تاریخچه وهابیت و زمینه‌های رشد وهابیت‌گری، درس‌هایی از مکتب اسلام. فلسفه، کلام و عرفان، (۱۱)، ۱۹-۲۲.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۶۰). شرح زندگانی من. تهران: انتشارات زوار.
- ملکی، حسین. (۱۳۷۰). تهران در گذرگاه تاریخ ایران. تهران: انتشارات اشاره.
- منصوری، سیدامیر و شفیعا، سعید. (۱۳۹۸). آشنایی با منظر (گردشگری منظر). تهران: مه‌کامه.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۳). درآمدی بر شناخت معماری منظر. باغ نظر، (۲)، ۶۹-۷۸.
- نجمی، ناصر. (۱۳۶۲). ایران قدیم و تهران قدیم. تهران: جانزاده.
- نوربرگ شولتز، کریستیان. (۱۳۸۲). معماری: معنا و مکان (ترجمه و ویدا نوروز برازجانی). تهران: انتشارات جان جهان.
- نونش، خاوانو. (۱۳۹۲). منظر، زمینه ادراک تحول. منظر، (۲۳)، ۵۰-۵۲.
- هاشمی، زهره و جعفری، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). سقاخانه‌سازی و تجلی هنر شعرنویسی بر آن، هنری فراموش‌شده. نخستین همایش بین‌المللی هنر و صناعات در فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی با تأکید بر هنرهای رو به فراموشی، اصفهان، ایران.
- وحدت، سلمان؛ کریمی مشاور، مهرداد و بخشی بالکانو، عادل. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی-مکانی عوامل مؤثر در ایجاد معنای مکان از دیدگاه کاربران و شهرسازان، نمونه موردی: شهر ارومیه. آمایش جغرافیایی فضا، (۲۶)، ۱۲۹-۱۴۳.
- یاراحمدی، مهدی. (۱۳۸۹). قتل ایمری کنسولیار آمریکا در سقاخانه تهران و پیامدهای آن بر صحنه سیاست داخلی و خارجی ایران. حافظ، (۷۲)، ۱۶-۲۱.
- یآوری، احمدرضا. (۱۳۵۹). شناختی از کشاورزان سنتی ایران. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

درخش، سعیده و باصولی، مهدی. (۱۴۰۰). روایت منظرین سقاخانه در شهر ایرانی. منظر، (۵۵)، ۵۴-۶۱.

DOI: 10.22034/MANZAR.2021.242210.2078

URL : http://www.manzar-sj.com/article_125945.html

